

سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول



○ سکه‌های اسلامی ایران از آغاز
تا حمله مغول
○ تالیف: سیدجمال ترابی
طباطبایی و منصوره وثیق
○ ناشر: مهد آزادی، تبریز، چاپ
اول، ۱۳۷۳، ۷۱۴ ص.

سکه‌های اسلامی ایران
از آغاز تا حمله مغول

از: سید جمال ترابی طباطبایی، منصوره وثیق

○ فرشید احمدی فر

انتشارات مهد آزادی

مهر ماه ۱۳۷۳

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا / بهمن ماه ۱۳۷۹

۴۸

نمونه‌ای از کار مولف چنین است:

«جنس: نقره

- وزن: ۲/۸۶ گرم

- قطر: ۲/۳۴ سانتیمتر

- روی سکه: محمدرسول الله

- حاشیه: محمدرسول الله ارسله بالهدی ودین الحق

- لیظهره علی‌الدین کله و لوکره المشرکون

- پشت سکه متن: لا اله الا الله وحده لا شریک له.

- حاشیه: بسم الله ضرب هذا الدرهم بطبرستان سنه تسعین و

مئه؛ ۱۹۰ ق/»^۱

در بخش دیگر، مولف به معرفی سکه‌های حکام عرب طبرستان می‌پردازد و در این بخش هم جزئیات تمام سکه‌های متعلق به این دوره را شرح می‌دهد و در این باره می‌نویسد: «اسامی و کلمات محدودی برسکه‌های طبرستان منقور است که بعضی واضح و مشخص است و برخی مورد اختلاف صاحب‌نظران...»^۲ بخش دیگر کتاب به شرح سکه‌های عرب ساسانی اختصاص یافته است.

از دیگر ویژگی‌های کتاب اینست که مؤلف پیش از توضیح در

کتاب سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول یکی از

تالیفات ارزشمند استاد سیدجمال ترابی طباطبایی است که در تهیه آن سرکار خانم وثیق نیز همکاری نزدیک داشته‌اند. این کتاب با معرفی سکه‌های اسپهبدان طبرستان شروع می‌شود و با معرفی سکه‌های ایلک خانیان به پایان می‌رسد. نویسنده در این کتاب متأسفانه بدون بیان مقدمه و چکیده‌ای از اهداف خود، مستقیماً به سراغ اصل مطلب رفته، هر چند روشن بودن مطالب و بدیهی و واضح بودن عناوین آن، نیاز به ذکر مقدمه را برطرف ساخته است. در قسمت اول کتاب، مولف مشخصاتی از سکه‌های اسپهبدان طبرستان را ارائه می‌کند و می‌نویسد: «بر روی این سکه‌ها که تقلیدی کامل از سکه‌های شاهان اخیر ساسانی است، نیمرخ راست پادشاه با تاجی که با دو پر عقاب زینت یافته دیده می‌شود... بر پشت سکه تصویر آشنان در وسط و هیربدان یا نگهبانان در طرفین، در سمت راست محل ضرب: طبرستان با رسم الخط پهلوی و در سمت چپ سال ضرب سکه نقرشده است.»^۱

یکی از ویژگی‌ها و امتیازات این اثر این است که مسکوکات هر سلسله را بطور دقیق اعم از جنس، وزن و قطر، معرفی کرده و سپس متن‌های نقر شده بر روی سکه‌ها را بطور کامل ذکر می‌کند.



پشت سکه ابن تاکویه

محمدمبن دشمنزیار

۳۹۸ - ۴۱۴ هجری

مورد یک سکه، جدول انساب سلسله مربوط به آن سکه را ذکر می‌کند و حکامی که به نام آنها سکه ضرب شده می‌آورد. همچنین در برخی از جداول انساب، مبداء تاریخ یزدگردی جدید و مبداء هجری قمری و میلادی را با هم تطبیق نموده، یکجا می‌آورد.

نویسنده در مورد سکه‌های عرب ساسانی می‌نویسد: «شرح روی و پشت سکه‌های عرب ساسانی شباهت کامل به سکه‌های اخیر پادشاهان ساسانی دارد...» برای مثال نمونه‌ای از مشخصات یک سکه عرب ساسانی آورده می‌شود: «روی سکه متن: مقابیل صورت با رسم الخط کوفی الحجاج بن یوسف.

حاشیه: بسم الله / لا اله الا الله ماه و ستاره زیرین (وحده) محمدرسول - الله.»

پشت سکه متن: محل ضرب «رسول» (ب.ی.ش) بیشاپور سال ضرب ۱۳۰۰ هشت هفتاد ۷۸ ق/»^۵

بخش بعدی کتاب به بررسی سکه‌های امویان می‌پردازد. در ابتدای این بخش شرحی از سلسله نسب امویان ارائه گردیده و سپس نام خلفایی که سکه به نام آنها ضرب شده با ذکر لقب و کنیه و مدت خلافت و سال مرگ آنها درج شده است.^۶

مؤلف در این بخش می‌نویسد: «چهار مرتبه در تاریخ اسلامی و ایران نقرشعائر دینی و مذهبی [برروی سکه‌ها] مورد اعتراض قرار گرفته، بار اول: در زمان عبدالملک مروان (در طول سنوات ۷۶ تا ۷۹ ق/); عده‌ای به بهانه توهین ناشی از تماس کلام‌الله و نام جلالت منقور بر سکه، با دست ناپاک کفار یا قرار گرفتن آن در محل ناپاک (دست آلوده، زمین آلوده) از تغییر سکه اظهار نارضایتی نمودند و اعتراض کردند ولی عبدالملک به بهانه قطع وابستگی‌های اقتصادی و تضمین استقلال مسلمین و ایجاد وحدت بین آنها، نیت خود را عملی نمود... بار دوم: در زمان شاه اسماعیل دوم صفوی که با وجود تمایل و عقیده‌ای که به طریق سنت داشت از علنی کردن آن می‌ترسید در نتیجه راه دوم را پیش گرفت و با نقر یک بیت شعر علی‌الظاهر خود را از انتقاد نجات داد و آن بیت اینست: زمشرق تا به مغرب گر امام است

علی و آل او ما را تمام است.

بار سوم: اشرف افغان بعد از قتل محمود افغان و استقرار بر تخت سلطنت مرکز ایران، در اصفهان، با استفاده از رای معترضین زمان عبدالملک (۶۵-۸۶ ق/ی) با حذف تمام شعائر و اسما جلالت متوسل به بیت زیر شد:

دست رد بر جلالت بود گناه

داد تغییر سکه اشرف شاه

بار چهارم: در زمان نادرشاه افشار با وجود محکمترین عقیده‌ای که به مذهب شیعه و آل علی (ع) داشت، برای کسب رضایت اهل سنت و محو تمام علل افتراق بین مسلمین و احتراز از جنگ‌هایی که از زمان اوزون حسن آق قویونلو با سلطان محمد دوم - فاتح شکل گرفته بود؛ اختلاف عقیده بین پیروان مذاهب، نه در میدان جنگ بلکه در همه جا را منع کرده و تلاش کرده برای اتحاد آنها و یکی شدن برای کشتن دشمن مشترک...»^۷

مؤلف می‌نویسد: «در تهیه سکه‌های اموی از شکل عمومی سکه‌های ساسانی اقتباس شد، به این ترتیب که با دایره‌هایی متن را از حاشیه جدا کرده، به جای ۴ عدد ماه و ستاره، ۵ دایره کوچک قرار دادند و در وسط سکه برآمدگی کوچکی بعنوان مرکز دایره وجود دارد... در دینارها به علت کمی جا آخر آیه «ولو کره المشركون» را حذف کرده‌اند... عددنویسی مانند پهلوی ساسانی از راست به چپ و با سیرصعودی است... فلوسهای امویان تابع شکل خاصی نبوده و انواع مختلف دارد...»^۸

از جمله ویژگی‌ها و امتیازات دیگری که برای این کتاب می‌توان نام برد این است که مؤلف شهرها و محل‌هایی را که بر روی سکه‌ها ضرب گردیده در پاورقی برای اطلاع بیشتر خوانندگان آورده و شرح داده است. مثلاً در یک مورد پس از معرفی یک سکه در قسمت محل ضرب می‌نویسد: محل ضرب: «...»^۹ بالکوفه سنه احدی و منه (۱۰۱/ق) و سپس در شرح کوفه چنین می‌نویسد: «کوفه شهرکی است بر لب رود فرات نهاده و بنای وی سعدبن ابی وقاص کرده است و روضه امیرالمومنین علی بن ابی طالب کرم الله وجهه آنجا است...»^{۱۰}

در بخش بعدی کتاب سکه‌های سلسله عباسیان مورد معرفی و بررسی قرار گرفته است. مؤلف ابتدا سلسله نسب عباسیان را با جداول انساب نشان می‌دهد. سپس می‌نویسد خلافت عباسی با اولین خلیفه عباسی - السفاح - در سال ۱۳۲ هـ. آغاز می‌شود و با کشته شدن المستعصم بالله سال ۶۵۶ هـ. بدست هلاکو، خلافت عباسی برچیده می‌شود.

مؤلف سپس تفاوت‌های سکه‌های عباسی با اموی را مورد توجه قرار می‌دهد و می‌نویسد: «بجای سوره اخلاص، شهادت «محمدرسول الله» نقر شده... نام حاکم و وزیر و ولیعهد و ولیعهدها بر روی سکه نقر می‌شود، در حالیکه که در سکه‌های امویان هیچ نامی نه از خلیفه و نه حکام برده نشده است». برای نمونه، معرفی سکه‌ای مربوط به سلسله عباسیان در اینجا می‌آید:

«روی سکه متن: «محمدرسول الله».

- حاشیه: «محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کله و لو کره المشركون».

- پشت سکه متن: لا اله الا الله - وحده لا شریک له.

- حاشیه: «بسم الله ضرب هذه الدرهم بالکوفه سنه اثینین و ثلثین و منه ۱۳۲ ق/»^{۱۱}

موضوع بخش دیگر کتاب، بررسی سکه‌های شهریاران گمنام است که با جدولی از سلسله نسب شبانکاره آغاز می‌شود. مؤلف در این مورد می‌نویسد: «تابلیکان شبانکاره یا بنی فضلویه: در زمان ملکشاه و تسلط غزها، ملوک شبانکاره در فارس و کرمان بعد از طغیانهای متعدد حکومتی تشکیل دادند؛ نام و تعدادشان معلوم نیست و عاقبت در حدود سنه ۷۵۶ هـ. بدست آل مظفر منقرض گردید...»^{۱۲} متأسفانه مؤلف از سکه‌های سلسله شبانکاره نمونه‌ای ارائه نداده است؛ مؤلف سپس در شرح عنوان شهریاران گمنام می‌نویسد: «تا آنجا که به نظر می‌رسد اطلاق این عنوان بر حکمرانان محلی (اعم از: آل مسافر یا مسافرین، بنی‌رواد، بنی‌جستن، بنی‌مملان، کنگریان و...) از احمد کسروی است که با وجود همت و پشتکار و جستجوی فراوان نتوانسته بطور یقین موفق به رده‌بندی آنها شود...»^{۱۳}

مؤلف سپس به ارائه سلسله انساب روادیان، آل مسافر و شادادیان می‌پردازد. آنگاه نمونه‌هایی از سکه‌های سلسله محلی آل مسافر و بنی شداد را معرفی می‌نماید.

معرفی سلسله بنی ساج مطلب بعدی است که مؤلف در مورد آن می‌نویسد: «بنی ساج حکومت کوتاه مدت و نیمه مستقلی با اختیارات محدود در آذربایجان داشتند مانند طاهریان و صفاریان...» برای نمونه، نوعی از سکه ضرب این سلسله (بنی ساج) چنین معرفی شده است:

«روی سکه متن: لله / محمدرسول الله / المقتدر بالله / یوسف بن دیو داد.»^{۱۴}

- حاشیه: «محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کله و لو کره المشركون».

- پشت سکه متن: «لا اله الا الله وحده لا شریک له الوزیر

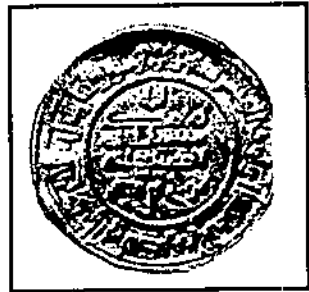
پشت سکه نوح بن نصر سامانی
۳۳۱ - ۳۴۳ هجری



یکی از ویژگی‌ها و امتیازات این اثر این است که مسکوکات هر سلسله را بطور دقیق اعم از جنس، وزن و قطر، معرفی کرده و سپس متن‌های نقر شده بر روی سکه‌ها را بطور کامل ذکر می‌کند

مشخصات سکه‌های اسپهبدان طبرستان چنین ذکر شده است: «برروی این سکه‌ها که تقلیدی کامل از سکه‌های شاهان اخیر ساسانی است، نیمرخ راست پادشاه با تاجی که با دو پر عقاب زینت یافته دیده می‌شود... بر پشت سکه تصویر آتشدان در وسط و هیربدان یا نگهبانان در طرفین، در سمت راست محل ضرب: طبرستان با رسم الخط پهلوی و در سمت چپ سال ضرب سکه نقر شده است





روی سکه نوح بن نصر سامانی
۲۳۱ - ۲۴۳ هجری

ابوالحسن.

- حاشیه: «بسم الله ضرب هذا الذئیر باریمینیه سنه ثمان و تسعین و ماتین». ۲۹۸ ق.
- حاشیه خارجی: «الله الامر من قبل و من بعد یومئذ یفرح المومنون بنصرالله»^{۱۵}

در بخش دیگری مولف به بررسی و شرح سکه‌های سامانیان می‌پردازد و می‌نویسد: «تقریباً مسکوکات یکتواخت و به طرز عباسی دارند و اغلب در محدوده خراسان سکه زدند... شهرهایی که در آنجا ضرب سکه زده‌اند عبارتند از: امل - اندرابه - بخارا - بلخ - سمرقند - شاش (چاچ) معد محمدیه (ری) - نیشابور»^{۱۶}

نمونه مشخصات سکه‌ای مربوط به این سلسله که متعلق به اسماعیل سامانی می‌باشد، اینگونه است:
«روی سکه متن: «الله / محمدرسول الله / المعتضد بالله / اسمعیل»

- حاشیه: «محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»
- پشت سکه متن: «لا اله الا الله وحده لا شریک له»
- حاشیه: «بسم الله ضرب هذا الدرهم بالشاش سنه تین و ثمانین و ماتین» ۲۹۲ ه.^{۱۷}

موضوع بعدی کتاب، معرفی و بررسی سکه‌های سلسله غلویان طبرستان است.

مولف معتقد است که شعار پیروان حضرت علی (ع) اولین بار بر سکه‌ای متعلق به این دوره منقوش شده ولی قبلاً بصورت «علی خلیفه الله» بر سکه‌های وهسودان بن محمد دیده شده است. نمونه‌ای از شعائر این سکه ارائه می‌گردد:

«روی سکه متن: «لاله الا الله / وحده لا شریک له / محمدرسول الله / علی ولی الله»
- حاشیه: «محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»
- پشت سکه متن: «عبدالله و الملکه الامام الخادم بامرالله... ولی عهد المسلمین»؟

- حاشیه: «بسم الله ضرب هذا الذئیر بمصر سنه ثمان و اربعمائیه» ۴۸۰ ق.^{۱۸}

مولف در ادامه مطلب به ارائه سلسله نسب و بررسی مسکوکات سلسله صفاریان می‌پردازد و معتقد است بطور کلی سکه‌های سلسله صفاریان هم تقلیدی از سکه‌های عباسی می‌باشد نمونه‌ای از سکه‌های صفاریان، در ذیل می‌آید:

«روی سکه متن: «الله / محمدرسول الله المعتمد علی الله»
- پشت سکه متن: «شهادتین، الموفق بالله عمرو»
- حاشیه: «... بفارس سنه سبع وستین و ماتین» ۲۶۷ ه.
- حاشیه: محمدرسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الذی کله و لو کره المشرکون»^{۱۹}

بخش دیگر کتاب به بررسی سکه‌های آل زیار و سلسله انساب این سلسله اختصاص یافته است. مولف در این باره می‌نویسد: «در این سکه‌ها برای اولین بار نام ضرابخانه «استرآباد» (استارآباد) با الف مکسوره در اول کلمه برده شده است:

روی سکه متن: «الله / محمدرسول الله / الطایع لله / عضدالدوله و تاج الملکه ابوشجاع»

حاشیه: «... باسترآباد سنه ثمان و ستین و ثلثمائیه» ۳۶۸ ق.^{۲۰}
مولف سپس در بررسی مسکوکات و نسب‌نامه آل بویه می‌نویسد: «فرزندان شجاع بویه دیلمی قلمرو سلطنتی وسیعی در قسمت اعظم قلات ایران با تبعیت از خلیفه و حفظ احترام ظاهری

او برقرار ولی با دست گذاشتن بر دسته تخت خلافت او به نام او خطبه خوانده و سکه زده و حکومت راندند؛ بعد از نام خلیفه، نام خاندان خود را بر سکه نقر کردند، منتها بدون هیچ عنوان و لقب بلکه فقط با قید کنیه خود مانند عمادالدوله ابوالحسن بویه (یا ابن بویه) ... بنا به گفته مؤلف در دوره آل بویه عناوین زیر بر سکه‌ها نقر می‌شده است: الامیر السید شاهنشاه فخرالدوله و فلک الامه بن رکن الدوله و در پشت سکه نام خلیفه، الطایع لله ۳۶۲-۳۸۱ ق.؛ عنوان «شاهانشاه = شاهان شاه» را بطور صحیح بدون حذف الف (از «الف» نون» علامت جمع) بکار برده است و عناوین: الامیر السید امیر الامراء شاهانشاه - با القاب او: فخرالدوله - فلک الامه و کنیه‌اش: ابوطالب با ترکیبات مختلف کم و زیاد بر سکه‌هایش (فخرالدوله) منقوش است، که حکایت از نهضتی می‌کند که عنصر ایرانی، نه بر علیه دین اسلام، بلکه علیه تسلط ترک و تازی برپا می‌نماید. در یکسو (ری و بغداد) عنوان مزبور بوسیله فخرالدوله تجدید حیات می‌کند و دیگر سو (طوس خراسان) در شاهنامه حیات جاودان می‌یابد...»^{۲۱}

نمونه‌ای از منتهای مربوط به سکه این سلسله که متعلق به قوام‌الدوله ابوالفوارس می‌باشد ذکر می‌گردد

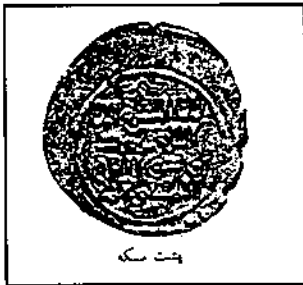
«روی سکه متن: «الله / محمدرسول الله / صلی الله علیه و سلم / الملک العادل ابوالفوارس بن بهاءالدوله»
- پشت سکه متن: «لاله الا الله / وحده لا شریک له / القادربالله... / الغالب بالله»

- حاشیه: «بسم الله ضرب هذا الدرهم بشیراز سنه سبع و اربعمائیه» ۴۰۷ ه. «
مولف در بخش دیگر به ارائه جداول سلسله نسب برزکانیان می‌پردازد...

بخش بعدی درباره سکه‌ها و نسب نامه سلسله غزنویان می‌باشد که در این مورد می‌نویسد: «نام سلاطین غزنوی با لقب و کنیه آمده است فقط دو نفر کلمه ملک بکار برده‌اند: ملک المؤید سلطان محمود و ملک السعید مسعود ثالث؛ با وجود اینکه از سال ۳۵۱ تا ۵۸۲ ق. حکومت رانده‌اند شهرتشان به دوران حکومت سبکتگین یا مسعود اول منسوب است و بقیه اغلب حکومت محلی داشته و تحت الشعاع امرای سامانی و بعد سلاجقه قرار گرفته‌اند... بر مسکوکات محمود غزنوی القابی مانند یمن الدوله و ایمن الملکه و الملک المویده و با کنیه‌اش ابوالقاسم دیده می‌شود...»^{۲۲} برای نمونه، مشخصات سکه‌ای از محمود غزنوی یمن الدوله ابوالقاسم ارائه می‌گردد: «روی سکه متن: «ایمن الدوله / محمدرسول الله / یمن الدوله / محمود»

- حاشیه: «الله الامر من قبل و من بعد یومئذ یفرح المومنون بنصرالله»
- پشت سکه متن: «عدل ع / لاله الا الله / وحده لا شریک له / یمنی»

- حاشیه: «... بنیشابور سنه...»^{۲۳}
مؤلف سپس به بررسی یک سکه از امرای «اندرابه» می‌پردازد و در مورد «اندراب» می‌نویسد: «شهرکی است اندر میان کوهها، جایی بسیار غله و کشت و برز، و او را دو رود است و سیمهایی کی از معدن پنجپیر و جاریانه افتد اینجا آنرا درم زند، و پادشای او را شهر سلیر خوانند...»^{۲۴} در ادامه سکه‌ها و سلسله نسب، سلسله محلی بنی کاکویه معرفی و بررسی گردیده است. یکی از امرای این سلسله فرامرزی محمد بن دشمنزیار است که مؤلف درباره او می‌نویسد: «نیمه اول قرن پنجم ه. ق. مصادف می‌شود با ظهور یک ترک پرافتخار دیگر که بر خلاف دیگران عوض قتل و غارت،



پشت سکه

پشت سکه
سلطان سنجر سلجوقی
۵۱۱ - ۵۵۲ هجری

مؤلف معتقد است که شعار بیروان حضرت علی (ع) اولین بار بر سکه‌ای متعلق به این دوره (علویان طبرستان) منقور شده ولی قبلاً بصورت «علی خلیفه الله» بر سکه‌های وهسودان بن محمد دیده شده است

یکی از خصوصیات بارز سکه‌های اتابکان بنی زنگی موصل، وجود هلال ماه در دست اتابک می‌باشد که روی این سکه‌ها ضرب شده است

مؤلف در بخش دیگر کتاب به بررسی سکه‌های اتابکان، اعم از اتابکان آذربایجان؛ ملوک اهر؛ اتابکان فارس؛ اتابکان موصل؛ اتابکان بنی ارتق؛ اتابکان ارتقی ماردین؛ اتابکان بنی بکتکین اربل؛ اتابکان زنگی جزیره می‌پردازد و سلسله انساب این حکام محلی را به صورت جدول ارائه می‌کند. مؤلف در مورد خصوصیات سکه‌های اتابکان می‌نویسد: «... بطور کلی بر سکه‌های مسی اتابکان (اعم از اتابکان فلات ایران و بین‌النهرین) و سلاجقه روم به دو نوع رسم‌الخط برمی‌خوریم که یکی رسم‌الخط نستعلیق و نوع دیگر خط نسخی است که علاوه بر انسجام حروف، به نوعی کنار هم چیده شده است که مجموعه متن سکه به شکل یک مربع کامل درآمده است...»^{۳۳}

مؤلف در معرفی سکه‌های اتابکان فارس می‌نویسد: «اتابک ابش بنت سعد؛ آخرین اتابک فارس ۶۶۳-۶۸۶ ق. متوفیه در تبریز؛ بسال ۶۶۳ بزوجیت منگوتیمور پسر هلاکوخان مغول (ایلخان ایران) درآمده و مدت ۲۳ سال حکومت کرده است... سکه‌های بدست آمده از اتابک ابش اغلب سیمین و مسین می‌باشد، مسکوکات فوق در زمان اباقا ایلخانی زده شده است... اما سکه زرینی ضرب شیراز و بسال ۶۸۳ ق. به مناسبت تاجگذاری ارغون خان مغول موجود می‌باشد و شرح سکه چنین است: جنس: طلا .. وزن ۱۲/۵ گرم. قطر: ۲/۷ سانتیمتر. روی سکه: الحمد لله لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم / ابش بنت سعد. حاشیه: قسمتی از آیه ۲۵ سوره آل عمران- پشت سکه متن: خاقانو ارلیم ارغونون دلاگلو لوکسین سکه ارغون خان بزرگ: البته با رسم‌الخط اویغوری نقر شده است. حاشیه: «بسم الله ضرب هنالدینار (المبارک) بشیراز سنه ثلث و ثمانین و ستمائه» ۶۸۳ ق.»^{۳۴}

یکی از خصوصیات بارز سکه‌های اتابکان بنی زنگی موصل، وجود هلال ماه در دست اتابک می‌باشد که روی این سکه‌ها ضرب شده است؛ آقای ترابی طباطبایی درباره مفاهیم هلال ماه در دست اتابک چنین می‌نویسد: «اول - یک آرم دینی و مذهبی بین‌النهرین و عرب قدیم و اسلام بوده و هست. دوم - یک سمبل از عید ملی و کشاورزی از ساسانیان و منسوب به فریدون است که بعثت شباهت آن به شاخهای گاو، مورد پیدا کرده است. سوم - سمبل شاخهای گاو و هر حیوان شاخدار دیگری است که مورد تقدیس ایرانیان مخصوصاً در زمان ساسانیان بوده است...»^{۳۵}

بخش دیگر کتاب به معرفی مسکوکات و جدول انساب سلسله خوارزمشاهیان اختصاص دارد. نمونه‌ای از مشخصات سکه محمدبن تکش چنین آمده:

«جنس: مس. وزن: ۲/۲ گرم. قطر: ۳/۴۶ سانتیمتر.

روی سکه متن: «محمدبن تکش» متن در داخل دایره و آنهم در یک مربع با چهارگل در زوایای مربع محاط است.

پشت سکه متن: «السلطان الاعظم العادل علاء الدینا والدین.»^{۳۶}

بخش دیگر کتاب به بررسی مسکوکات غوریان یا شنئیانیان می‌پردازد. مؤلف درباره منطقه غور می‌نویسد: «در «اللیاب» آمده است که غور به ضم غین نقطه‌دار و سکون واو و در آخرش راه بی‌نقطه، ناحیتی است کوهستانی در خراسان نزدیک به هرات؛ غور مملکت بزرگی است؛ بیشترش کوهستان است؛ جایی آبادان با چشمه‌ها و بستان‌ها و نهرها؛ استوار و تسخیرناپذیر...»^{۳۷}

سلسله حمدانیان موضوع دیگری است که آقای ترابی طباطبایی در بخش دیگر کتاب به سلسله و سکه‌های آنها اشاره دارد؛ مؤلف در ابتدا جدولی را رسم کرده و سلسله نسب حمدانیان را بر روی آن نشان می‌دهد و طی جدول دیگری القاب و کنیه حکام حمدانیان را ارائه نموده است.

علم و هنر و ثروت بار می‌آورد؛ صرفنظر از نوشته‌های دوست و دشمن که تاریخ محض اظهار نظر کرده و می‌کند ولی باستان‌شناسی هم در این باره حرفها دارد که وسعت امپراطوریشان و تاثیر مختلفشان و آثار باستانی‌شان در عرصه تمام فلات ایران جاپاهای محکمی دارد و سلاطین محلی برای اینکه در زیر سم اسبهای بی‌رحمشان منکوب و سرکوب نشوند مانند دیگر افشین‌ها طریق مسالمت پیش می‌گیرند و سکه و خطبه بنامش می‌کنند و فرامرزین محمدبن دشمنزبار هم از این نوع سیاستمداران عاقل است...»^{۳۸}

بخش بعدی به بررسی مسکوکات و سلسله نسب سلاجقه ایران و آسیای صغیر (روم) اختصاص دارد.

مؤلف در مورد ویژگی‌های مسکوکات این دوران می‌نویسد: «ویژگی بارز مسکوکات این دوره (ظهور سلاجقه تا انقراض اتابکان و عباسیان) یک طبقه‌بندی پولی از نقطه نظر جنس می‌باشد؛ به این شرح که حداکثر نزدیک به هفتاد درصد مسکوکات سلاجقه از طلا است؛ از اتابکان به ندرت سکه طلا و نقره دیده می‌شود؛ مسکوکات خاص خلیفه از طلا و بنام خلیفه از نقره است و نتیجه تاریخی یا مسئله مورد بحث این است که این پولها برخلاف نظر عده‌ای (که هر سکه در محل ضرب رایج بوده است) در تمام متصرفات و بلاد اسلامی می‌گشته و دلیل بارز کشف انواع سکه‌ها در تمام مناطق باستانی است... بنابراین وزن و جنس مسکوکات سلسله‌های فوق نه اینکه یک دوره خاص باشد بلکه به این خاطر که از اجناس مختلف (طلا، نقره - مس) زده شده و اجباراً قابل تعویض یا تسعیر بوده است. برای حل مسائل پولی و ارزشها و مقادیر مربوطه قابل توجه است؛ والا در قرون قبل هم سلسله‌های مختلف همزمان بوده‌اند ولی همه سلسله‌ها با قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی یا قدرت نظامی و اندوخته‌شان رابطه مستقیم داشته: سلجوق از طلا سکه زده، اتابک او از مس؛ خلیفه عباسی از طلا و نقره و ایوبیان از مس و...»^{۳۹}

نمونه‌ای از مشخصات سکه طغرل بیگ سلجوقی چنین است:

«روی سکه متن: لله/محمد رسول الله/السلطان المعظم شاهانشاه الاعظم رکن الاسلام - طغرل بیگ.

حاشیه: «محمد رسول الله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کله ولو کره المشرکون.»

پشت سکه متن: «لا اله الا الله وحده لا شریک له القائم بامر الله.»

حاشیه: «بسم الله ضرب هنالدینار بنیشابور سنه خمس و اربعین و اربعمائه» ۴۴۵ ق.

حاشیه خارجی: «لله الامر من قبل و من بعد یومئذ یرفع المؤمنون بنصر الله.»

مؤلف در مورد واژه شاهانشاه در متن روی سکه می‌نویسد: «ساسانیها بر سکه‌های خود «ملکان ملک» نقر کرده و شاهانشاه می‌خواندند و کلمات دیگر مانند «من» که «از» می‌خواندند... در قرون اولیه اسلامی این کلمه و نظایر آن منسوخ بودند و همیشه نام حاکم و بعضی وقتها با نام پدر مانند «نصرین احمد»، «عمروبن لیث» نقر می‌شد و غیر از خلیفه، کنیه کسی بر سکه‌ها دیده نمی‌شد مگر در مورد وزراء... از اوایل قرن چهارم هجری قمری عناوین سلاطین منتها مقتبس از زبان عربی مانند «الامیر، السید، ملک یا هم یا با یک صفت نقر می‌شده که نمونه آن «ملک السید: عضدالدوله ۳۶۹ ق - شمس‌الدوله ۳۸۰ ق. و این عناوین مقدم بر اسامی حکام قرار دارد...»^{۴۰}

مؤلف:

«ویژگی بارز مسکوکات دوره ظهور سلاجقه تا انقراض اتابکان و عباسیان، یک طبقه بندی بولی از نقطه نظر جنس می باشد؛ به این شرح که حداکثر نزدیک به هفتاد درصد مسکوکات سلاجقه از طلا است؛ از اتابکان به ندرت سکه طلا و نقره دیده می شود؛ مسکوکات خاص خلیفه از طلا و بنام خلیفه از نقره است و نتیجه تاریخی یا مسئله مورد بحث این است که این پولها برخلاف نظر عده ای (که هر سکه در محل ضرب رایج بوده است) در تمام منصرفات بلاد اسلامی می گشته و دلیل بارز کشف انواع سکه ها در تمام مناطق باستانی است»

مورد ویژگی های سکه الملك الناصر - صلاح الدین یوسف (از حاکمان ایوبی حلب) می نویسد: «جنس سکه از نقره و وزن آن ۲/۶۵ گرم و قطر آن ۲/۴۲۱/۸۹ سانتیمتر؛ روی سکه متن: «یوسف الملك الناصر بن الملك العزيز محمد بن». (نام یوسف مانند اغلب سکه ها بر بالای متن منقور است.)

- حاشیه متن: «شهادتین». پشت سکه متن: «الامام المستعصم بالله امیرالمؤمنین احمد»

- حاشیه: «بعثت فرسایش و نقص ضرب ناخوانا است.»

مؤلف در ادامه می نویسد: اول - در مسکوکات ایوبیان بعثت تنگی جا با حذف نام پدر و گاهی جد نام ایوب یا یوسف را نوشته اند. دوم - نام پدر را نه بخاطر تنگی جا بلکه بخاطر احترام بر بالای متن سکه نقر کرده اند و در تمام مهرهای شخصی هم اغلب سعی کرده اند نام پدر را بالای مهر بنویسند که گاهی موجب اشتباه خواننده هم شده است.

سوم - تمام ایوبیان یوسف نام ملک الناصر و صلاح الدین عنوان دارند، بخاطر احترام به صلاح الدین یوسف بن ایوب اول.^{۲۵}

در آخرین بخش کتاب، مسکوکات و سلسله نسب ایلیک خانیان معرفی و بررسی شده است.

مؤلف در این باره می نویسد: «از این خاندان فقط دو سکه پیدا کرده و چاپ می کنم در حالیکه اغلب شان سکه زده اند و در مجموعه موزه ها وجود دارد؛ البته مقر حکومتشان خارج از محدوده کشور ایران و تا حدی از فلات ایران است... ارسالن ایلیک خان نصر دختر خود را به زنی به محمود غزنوی داد... فتح ماوراءالنهر بسال ۳۸۹ هـ. ق بوسیله ایلیک نصر و غارت بلخ و نیشابور بسال ۳۹۶ ق. و جنگ او با محمود و برخوردهای دیگر با غزنویان در اواخر قرن چهارم هجری قمری و تضعیف سامانیان از وقایع عمده این زمان است...»^{۲۶}

تهیه و افزودن فهرست اعلام (اشخاص و مکانها) به آخر کتاب استفاده از آن را سهل تر نموده است. در خاتمه نیز فهرست منابع آمده است.

پی نوشت ها:

* استاد سیدجمال الدین ترابی طباطبایی، اصغر اولاد (فرزند) محمدرضی الحسنی الحسین، در جمادی الاول ۱۳۴۴ هجری قمری در تبریز متولد شدند. تحصیلات ابتدایی را تا کلاس سوم در دبستان تمدن و بقیه را تا آخر دوره اول متوسطه در دبیرستان رشدیه ادامه دادند و از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ شمسی در رشته تاریخ، جغرافیا و علوم تربیتی در دانشسرای عالی مشغول به تحصیل بوده اند، سپس به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در شهرهای ساوه و دامغان به تدریس پرداخته و سپس به تبریز منتقل شده اند و به کلاس علوم اجتماعی و در صورت لزوم به تدریس و تعلیم رسم فنی و زبان فرانسه و کارهای دستی مشغول شده اند. استاد ترابی طباطبایی تا سال ۱۳۴۰ ریاست موزه آذربایجان را نیز برعهده داشته اند سپس برای بار دوم از سال ۱۳۴۶ لغایت ۱۳۵۲ و پس از آن تا سال ۱۳۵۷ ریاست اداره باستانشناسی و موزه را برعهده دار بوده اند. دوره بازنستگی استاد به منزله شروع کار بیشتر برای ایشان

سکه های ایوبیان و شرح سلسله نسب آنها، موضوعی است که مؤلف در بخش دیگر کتاب به آنها می پردازد... همچنین مؤلف طبق جدولی بسیط القاب و عناوین حکام این سلسله را شرح می دهد...

یکی از مسکوکات ایوبیان در زمان صلاح الدین یوسف بن ایوب ضرب گردیده که مؤلف برای این سکه اختصاصات زیر را ذکر می کند.

- جنس: مس - وزن: ۱۲/۵ گرم - قطر: ۲/۷ سانتیمتر.
- روی سکه متن: «نیمرخ چپ شیر با یال و دم افراشته که روی دو پا نشسته ۴ ستاره: یکی بالای یالها، یکی بالان ران و دو ستاره زیرپاها.

- حاشیه: «الملك الناصر صلاح الدین والدین یوسف بن ایوب محیی دولة امیرالمؤمنین»

پشت سکه متن: «الامام الناصرالدین الله امیرالمؤمنین»
حاشیه: «ضرب هذا الدرهم سته سته (ثلث) ثمنین و خمسمائه / ۵۸۳ ق.». نویسنده اهمیت و ارزش های این سکه ها را به جهات زیر می داند:

یک - در اینجا سکه های مسین بجای «فلس»، «درهم» نامیده شده است.

دو - درجه ایمان صلاح الدین با ذکر نام خود در حاشیه کاملاً آشکار است.

سه - «محیی دولة امیرالمؤمنین» حاکی است که فتوحات صلاح الدین و وفاداری او نسبت به خلفا باعث شده است که آنان احترام از دست رفته یا متزلزل را دوباره باز یابند.

چهار - این سکه در سال ۵۸۳ ق. به مناسبت فتح بیت المقدس طراحی و ضرب شده و در آن صلاح الدین به شیری خشمگین تشبیه شده است...»^{۲۷}

مؤلف در ادامه، سکه های ایوبیان دمشق و اتابکان زنگی سنجان و پس ایوبیان میافارقین - و سنجان و پس از آن ایوبیان حلب را مورد بررسی قرار می دهد...

مؤلف در بخش مربوط به معرفی سکه های ایوبیان حلب در



روی سکه
سلطان سنجر سلجوقی
۵۱۱ - ۵۵۲ هجری

روی سکه ابن کاکویه
محمد بن دشمزبار، ۳۹۸ - ۴۱۴ هـ



از جمله ویژگی‌ها و امتیازات دیگری که برای این کتاب می‌توان نام برد این است که مؤلف شهرها و محل‌هایی را که بر روی سکه‌ها ضرب گردیده در باورقی برای اطلاع بیشتر خوانندگان آورده و شرح داده است

- مهرماه ۱۳۷۳، ص ۳ - ۲.
- ۲ - همان منبع، ص ۲۰۷.
- ۳ - همان منبع، ص ۳۰.
- ۴ - همان منبع، ص ۳۶.
- ۵ - همان منبع، ص ۴۶.
- ۶ - همان منبع، صص ۵۲ - ۵۳.
- ۷ - همان منبع، صص ۵۴ - ۵۵.
- ۸ - همان منبع، صص ۵۶ - ۵۷ - ۵۵.
- ۹ - همان منبع، ص ۹۸.
- ۱۰ - همان منبع، ص ۱۳۷.
- ۱۱ - همان منبع، ص ۲۹۱.
- ۱۲ - همان منبع، ص ۲۹۲.
- ۱۳ - همان منبع، ص ۳۱۱.
- ۱۴ - یوسف بن دیو داد: بن یوسف دیودست صاحب اسر و شنه (= شهرست در ماوراءالنهر) ص ۳۱۳.
- ۱۵ - همان منبع، ص ۳۱۳.
- ۱۶ - همان منبع، ص ۳۱۷.
- ۱۷ - همان منبع، ص ۳۲۱.
- ۱۸ - همان منبع، ص ۳۶۶.
- ۱۹ - همان منبع، ص ۳۷۲.
- ۲۰ - همان منبع، ص ۳۸۸.
- ۲۱ - همان منبع، ص ۳۹۱.
- ۲۲ - همان منبع، ص ۴۲۸.
- ۲۳ - همان منبع، ص ۴۳۵.
- ۲۴ - همان منبع، ص ۴۴۱.
- ۲۵ - همان منبع، ص ۴۶۸.
- ۲۶ - همان منبع، صص ۴۷۷ - ۴۷۶.
- ۲۷ - همان منبع، صص ۴۸۱ - ۴۸۰.
- ۲۸ - همان منبع، صص ۴۸۹ - ۴۸۸ - ۴۸۷.
- ۲۹ - همان منبع، ص ۵۵۶.
- ۳۰ - همان منبع، صص ۵۶۷ - ۵۶۶.
- ۳۱ - همان منبع، ص ۵۷۲.
- ۳۲ - همان منبع، ص ۶۰۳.
- ۳۳ - همان منبع، ص ۶۰۹.
- ۳۴ - همان منبع، صص ۶۳۵ - ۶۳۴.
- ۳۵ - همان منبع، ص ۶۶۰.
- ۳۶ - همان منبع، ص ۶۶۴.

بود. وی بعد از بازنشستگی اقدام به جمع‌آوری و تدوین و چاپ آثار علمی و تحقیقات خود به صورت کتب و مقالات متعدد نمود.

آقای ترابی طباطبایی در سال ۱۳۵۱ در بخش تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز درس سکه‌شناسی ارائه می‌کردند.

ایشان از محضر اساتیدی همچون عباس اقبال آشتیانی، دکتر نصرالله فلسفی، دکتر علی اکبر بیضا وحیدالملک شیبانی و مجیرشیبانی در زمینه علم تاریخ و از محضر اساتیدی چون احمد مستوفی، دکتر محمد معین، دکتر نائل خالوری در زمینه علم جغرافیا بهره‌جسته‌اند. بنا به گفته آقای ترابی، ایشان علم سکه‌شناسی و باستانشناسی را به صورت خودآموز و تجربی و با کوشش و تلاش مستمر و بخصوص تحقیقات میدانی در مورد آثار باستانی کسب نموده‌اند.

آثار استاد ترابی را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود: ۱- آثار و تالیفات تاریخی ۲- آثار و تالیفات سکه‌شناسی ۳- مقالات

فهرست آثار ایشان به قرار زیر است:

الف: آثار و کتابهای تاریخی:

- ۱- آثار باستانی آذربایجان
 - ۲- نسب نامه شاخه‌ای از طباطبایی‌های تبریز
 - ۳- نقش‌ها و نگاشته‌های مسجد کبود
 - ۴- آثار باستانی اردبیل (زیر چاپ)
 - ۵- آثار باستانی اهر (ارسباران) (زیر چاپ)
 - ۶- آثار باستانی سراب (زیر چاپ)
 - ۷- تاریخ تبریز به روایت سکه (آماده چاپ)
- ب: آثار و تالیفات استاد ترابی در زمینه سکه‌شناسی:
- ۱- مقاله «سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورگانی» (نشریه شماره ۳ موزه آذربایجان).

۲- کتاب سکه‌های شاهان اسلامی ایران -

۳- کتاب‌های سکه‌های اسلامی ایران از حمله عرب تا حمله مغول.

۴- مقاله «رسم الخط ایغوری و سیری در سکه‌شناسی» (نشریه شماره ۶ موزه آذربایجان)

۵- مقاله «سکه‌های آق قویونلو و مبنای وحدت حکومت صفویه در ایران» (نشریه شماره ۷ موزه آذربایجان).

۶- کتاب سکه‌های ماشینی ایران و مقدمه‌ای بر سکه‌شناسی از انتشارات فروغ آزادی تبریز.

ج: مقالات:

- ۱- کلیسای سن استپانوس
 - ۲- چند سند تاریخی از صفویه تا قاجاریه
 - ۳- وقف نامه طالبیه تبریز.
 - ۴- بوشهر به روایت تاریخ، سکه و تمبر.
 - ۵- فرامین بقعه شیخ صفی و...
- استاد ترابی طباطبایی هم اکنون در مرکز اسناد ملی (شعبه شمالغرب کشور) در شهرستان تبریز مشغول به کار می‌باشند.
- پی‌نوشت‌ها:

۱- ترابی طباطبایی، سیدجمال و منصوره وثیق: سکه‌های اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تبریز: انتشارات مهد آزادی،

